

## ویژگی‌های فضایی طرح باغ صفوی سعادت‌آباد قزوین، بر اساس مثنوی‌های *روضه‌الصفات* و *دوحه‌الازهار* عبدی‌بیگ شیرازی<sup>۱</sup>

### آزینا علیزاده

کارشناس ارشد طراحی محیط، گروه باغ و منظر، پژوهشکده ابنیه و بافت‌های فرهنگی - تاریخی پژوهشگاه میراث فرهنگی  
zetaalizadeh@gmail.com

### مریم رضائی‌پور

کارشناس ارشد طراحی محیط، گروه باغ و منظر، پژوهشکده ابنیه و بافت‌های فرهنگی - تاریخی پژوهشگاه میراث فرهنگی  
mrezayipour@yahoo.com

### نیره خان‌محمدی

کارشناس ارشد طراحی محیط، گروه باغ و منظر، پژوهشکده ابنیه و بافت‌های فرهنگی - تاریخی پژوهشگاه میراث فرهنگی  
n.khanmohamadi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۲۶

### چکیده

شهر قزوین در زمان شاه طهماسب صفوی به عنوان پایتخت انتخاب شد. پس از آن، به دستور وی باغ بسیار بزرگی به نام سعادت‌آباد در این شهر طراحی شد. در راستای بررسی ویژگی‌های فضایی مؤثر در طراحی باغ سعادت‌آباد قزوین، مثنوی‌های *روضه‌الصفات* و *دوحه‌الازهار* مورد مطالعه قرار گرفتند. این دو مثنوی، توسط عبدی‌بیگ نویدی شیرازی، شاعر قرن دهم هجری در دوران پادشاهی شاه طهماسب سروده شده که بخش اعظم آن به توصیف باغ‌های سعادت‌آباد و بناهای موجود در آن اختصاص دارد. نگاهی تحلیلی به توصیفات عبدی‌بیگ در این نوشتار، به بازیابی ویژگی‌های فضایی طرح سعادت‌آباد قزوین صفوی منتج شد. به این ترتیب که تقسیم‌بندی فضاها بر اساس توصیفات شاعر که شامل شهر، خیابان، باغ و بنای باغ است و ویژگی‌ها به تفکیک فضایی که شاعر در توصیفات خود قائل شده است، با ارجاع به برخی ابیات مربوطه، بررسی شدند. بر این اساس، ویژگی‌هایی به دست آمد که در کنار عوامل ادراکی و عناصر مرتبط با هر فضا، قابل تعبیر هستند. این عوامل ادراکی، همان‌ها هستند که مستقیماً از تفسیر و تعبیر ابیات مختلف به دست آمدند و تلویحاً بازگوکننده ارزش‌ها و ویژگی‌های هر فضا هستند. در نهایت، ویژگی‌های فضایی مستتر در توصیفات *روضه‌الصفات* و *دوحه‌الازهار* و آنچه که در حین طراحی مد نظر بوده به دست آمدند. بازیابی این ویژگی‌ها، گویای این است که چه چیز در طرح باغ قزوین اهمیت داشته و ارزش محسوب می‌شده است. ویژگی‌های فضایی طرح باغ سعادت‌آباد، در دو دسته کلی عینی و معنایی طبقه‌بندی شده و بررسی شدند. با توجه به این نکته که ویژگی‌های عینی نمایانگر ارزش‌های کالبدی و طبیعی طرح، و ویژگی‌های معنایی دربرگیرنده ارزش‌های اعتقادی و زیبایی طرح هستند.

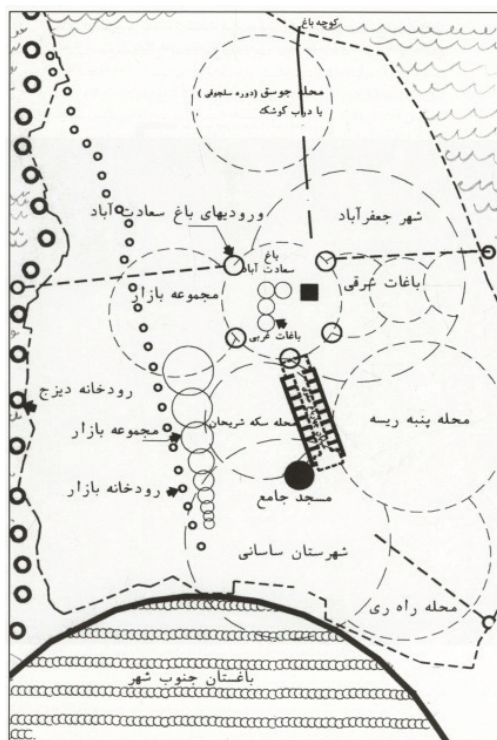
### واژه‌های کلیدی

باغ سعادت‌آباد قزوین، عبدی‌بیگ، طراحی، ویژگی‌های عینی و معنایی.

## مقدمه

شاه طهماسب بین سال‌های ۹۳۰ تا ۹۸۴ ق پادشاه صفویان بود.<sup>۲</sup> وی پس از آنکه قزوین را به پایتختی برگزید، باغ بسیار بزرگی به نام سعادت‌آباد در آن شهر احداث کرد. بر اساس اشعار عبدی-بیگ، تاریخ آغاز ساخت باغ، سال ۹۵۳ ق بوده است.<sup>۳</sup> سعادت‌آباد، مجموعه باغ‌هایی بود با عمارت‌ها و کاخ‌های متعدد که به دستور وی در شهر قزوین ساخته شد. باغ‌های سعادت‌آباد تقریباً بین سردر عالی‌قاپو تا سبزه‌میدان و در شرق بازار قزوین واقع بوده است (تصویر ۱). باغ و عمارات ساخته‌شده در آن به طوری که در تکمله الاخبار<sup>۴</sup> آورده شده از روی طرح معینی بنا شده بود.<sup>۵</sup> در سعادت‌آباد، شاه طهماسب و خویشاوندان نزدیک وی و همچنین اعیان خاندان صفوی، برای خود باغ‌هایی با درختان و گل‌های بسیار داشتند. باغ‌ها غالباً به نام صاحبانشان نامگذاری شده بودند.<sup>۶</sup>

شاه طهماسب به عبدی‌بیگ<sup>۷</sup> دستور داده بود تا در توصیف سعادت‌آباد اثری به نظم درآورد.<sup>۸</sup> در همین راستا، عبدی‌بیگ خمسة سوم خود با نام جنات عدن را سرود که عموماً به وصف شهر قزوین اختصاص داشت. در میان پنج مثنوی خمسة سوم او، مثنوی‌های روضه الصفات و دوحه الازهار که بیشتر به توصیف باغ‌های سعادت‌آباد و بناهای موجود در آن اختصاص داشتند، برای این پژوهش انتخاب شدند.



تصویر ۱. دیاگرام ارتباط فضاهای تاریخی قزوین در دوره صفوی (مأخذ: مجابی، ۱۳۸۸).

در این دو مثنوی، عبدی‌بیگ طی توصیفات خود، با اشاره‌ای مختصر به شهر قزوین و دلیل آبادانی آن، وارد مجموعه باغ‌های سعادت شده و به شرح و توصیف فضاها و عمارات آن پرداخته است. شیوه روایی شاعر و توصیفات وی، گویای ارزش‌ها و ویژگی‌های حائز اهمیتی است که در طراحی فضاها مد نظر قرار گرفته بودند. اگرچه او مستقیماً به این موارد اشاره‌ای نکرده، اما تلویحاً در خلال ابیاتش از آنها سخن گفته است. این نوشتار در پی آن است تا با نگاهی تحلیلی بر محتوای اشعار، ویژگی‌های مستتر در توصیفات شاعر را شناسایی کند. تحقیق حاضر به تفکیک در بخش‌هایی جداگانه، به طرح فضایی شهر و باغ‌های شاهی، شیوه روایی شاعر و نحوه تجربه فضایی وی، و تحلیل ارزش‌های موجود در طراحی فضایی سعادت‌آباد قزوین پرداخته است.

## طرح فضایی شهر قزوین و باغ‌های شاهی صفوی

در دوران سلطنت شاه طهماسب، شهر قزوین به دلیل دور بودن از تعرض دولت عثمانی به جای تبریز به عنوان پایتخت انتخاب شد (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱: ۳۸۸) و به مدت ۵۱ سال پایتخت صفویان بود (مجابی، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

قزوین به واسطه موقعیت جغرافیایی ویژه و دسترسی به منابع آبی‌اش به عنوان پایتخت صفویان انتخاب شده بود. پس از آن که شاه طهماسب قزوین را به پایتختی خود برگزید، شهر رونق فراوان یافت.

در عصر صفوی ساختار طراحی شده وسیعی از باغ‌ها و کاخ‌ها و خیابان‌ها به قزوین الحاق شد (مجابی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). هم‌چنین عناصر طراحانه و نمادهایی برای القای عظمت پادشاهی در طراحی شهری پایتخت به کار گرفته شد که عبارت‌اند از خیابان‌های عریض، ایوان‌های مرتفع و ردیف درختان در طرفین خیابان (مجابی، ۱۳۸۸: ۹۲).

بر اساس سروده عبدی‌بیگ در دوحه الازهار، به فرمان شاه شهری در کنار قزوین به نام جعفرآباد ساخته شد.<sup>۹</sup> آن طور که ابوالفضل هاشم‌اوغلی رحیموف در مقدمه دوحه الازهار می‌گوید، پس از آنکه شاه طهماسب پایتخت خود را در سال ۹۵۱ ق به قزوین انتقال داد، باغ سعادت‌آباد را طرح‌ریزی کرده و عمارات زیادی در آن ساخت که به جعفرآباد موسوم شد.<sup>۱۰</sup> در واقع، جعفرآباد شهری است که شاه طهماسب در کنار شهر قزوین احداث کرد.

در محدوده باغ‌های سعادت‌آباد، کاخ‌های سلطنتی و بناهای اشراف ساخته شد که مجموعاً شهر سلطنتی را تشکیل می‌دادند (مجابی، ۱۳۷۸: ۵۰۲). مجموعه باغ‌های سعادت‌آباد در شمال شهر پیشین ساخته شد و به وسیله یک خیابان و دو میدان به آن متصل شد. در باغ محصور، خیابان گذری است مرکب از درختان و جوی آب، و میدان فضای گشوده‌ای که در آن چوگان بازی می‌کردند (عالمی، ۱۳۸۷: ۴۹). منظور عالمی از این خیابان و دو میدان، خیابان شمالی - جنوبی جعفرآباد و میدان‌های اسب (جنوب سردر

عالی قاپو) و سعادت (غرب سعادت‌آباد) است. بخش اعظمی از این مجموعه شاهی طی زمان از میان رفته و در این بین تنها عناصر باقی‌مانده، عمارت چهلستون و سردر عالی قاپو است. کلیه باغ‌های سعادت و عمارت‌های موجود در آن - ها از بین رفته اند و فقط خیابان جعفرآباد از این مجموعه برجای مانده است. اگرچه بازبایی طرح اولیه باغ تا حدودی دشوار به نظر می‌رسد اما به سبب وجود متون تاریخی برجای مانده از آن دوره به‌ویژه اشعار عبدی‌بیگ، ویژگی‌ها و ارزش‌های فضایی مستتر در طراحی تا حدود زیادی قابل بازبایی هستند.

### شیوه روایی عبدی‌بیگ در توصیفات فضایی

خمسۀ جنات عدن شامل مثنوی‌های *روضۀ الصفات*، *دوحه‌الازهار*، *جنه‌الاثمار*، *زینت‌الاوراق*، و *صحیفه‌اخلاص* است که عموماً به وصف شهر قزوین اختصاص دارند. مثنوی اول به توصیف سعادت - آباد، مثنوی دوم به شرح جعفرآباد و نقاشی‌های دیواری عمارات درون باغ اختصاص دارد.

*روضه‌الصفات* به توصیف سعادت‌آباد و باغ‌های ویژه خویشاوندان و اشراف صفوی و بناهای موجود در باغ‌ها پرداخته است. بخش عمده اثر به تعریف و تصویر باغ‌های سعادت‌آباد اختصاص دارد. عبدی‌بیگ *دوحه‌الازهار* را بعد از *روضه‌الصفات* می‌سراید و اشاره می‌کند که *دوحه‌الازهار* ویژه توصیف جعفرآباد است.<sup>۱۱</sup> محتوای اشعار *دوحه‌الازهار*، شامل تشریح و توصیف نقاشی‌های دیواری و معماری عمارات دولتخانه قزوین صفوی است. در این منظومه دارالسلطنه جعفرآباد، خیابان‌ها، باغ‌های غربی و شرقی سعادت‌آباد و عمارات و نقاشی‌های دیواری آنها توصیف شده است. *دوحه‌الازهار* نسبت به *روضه‌الصفات* توصیفی‌تر است و اطلاعات بیشتری از برخی باغ‌های سعادت‌آباد در اختیار می‌گذارد. همچنین، *دوحه‌الازهار* غالباً در مدح و ثنای شاه سروده شده است. تقسیمات فضایی که عبدی‌بیگ در روایت خود قائل شده، شامل شهر، خیابان، باغ‌ها، و بناهای آنها بوده است. در *روضه‌الصفات*، شاعر با اشاره‌ای مختصر به شهر قزوین و دلیل آبادانی آن، وارد مجموعه باغ‌های سعادت شده و به شرح و توصیف فضاها و عمارات و خیابان‌ها می‌پردازد.

بر اساس محتوای *روضه‌الصفات* در سعادت‌آباد ۲۳ باغ وجود داشته که ۱۴ باغ در سمت شرق ارشی‌خانه<sup>۱۲</sup> و ۸ باغ و ۱ چمنزار در سمت غرب ارشی‌خانه واقع بوده اند. آنطور که عبدی‌بیگ در *دوحه‌الازهار* بیان می‌دارد، در سمت غرب بیشتر عمارات وجود داشتند و نسبت باغ‌ها کمتر بوده است.<sup>۱۳</sup> شاعر در این مثنوی با عبور از میان جعفرآباد به شرح و توصیف آن پرداخته است. آنچه در این میان جالب توجه است، اهمیتی است که شاه طهماسب برای ثبت وضعیت باغ‌های سلطنتی خود قائل بوده است و چنین چیزی گواه این مطلب است که تا چه میزان ثبت عظمت و شکوه شاهی برای وی حائز اهمیت بوده است.

نحوه روایت عبدی‌بیگ در توصیفات فضایی، به طور ضمنی اشاره به موارد و ویژگی‌هایی دارد که در نظر طراح باغ و همچنین شاه مهم بوده و نمود خود را در طرح نشان داده است. نگاهی دقیق به این ویژگی‌ها، ارزش‌هایی را نمایان می‌سازد که بی‌تردید به هنگام طراحی مورد نظر بوده اند. تجربه حسی شاعر و ادراک او به هنگام قرارگیری در فضا در اشعارش نمود یافته که برای بازبایی ارزش‌های فضایی طرح‌شده راهگشا است.

### شهر

بررسی ابیاتی که عبدی‌بیگ در مورد شهر قزوین سروده، اشاره به وفور عناصری از قبیل آب و گیاه در شهر دارد. تا آنجا که علت آبادانی شهر قزوین وجود آب فراوان و به دنبال آن حاصلخیزی باغ‌ها عنوان شده است. او همچنین از زیبایی شهر در فصل بهار و سایر فصول سخن آورده است. همانطور که شرح آن رفت، شاه برای احداث قزوین وارد شهر پیشین نمی‌شود و ساختار شهر قدیم را تغییر نمی‌دهد، بلکه شهری در کنار قزوین می‌سازد:

ابر کرم خاست ز هر سوی او / آب فزون گشت بهر جوی او  
(روضه‌الصفات: ۱۰۵)

شاخ درختانش به فصل بهار / جای شکوفه درم آورد بار  
(روضه‌الصفات: ۱۰۸)

### خیابان

فضای خیابان‌هایی که عبدی‌بیگ به تشریح و توصیف آن‌ها می‌پردازد، دو گونه اند: خیابان‌هایی که داخل باغها واقع اند (خیابان‌های میانی و حاشیه باغ‌ها) و دیگری خیابانی عمومی که بیرون از مجموعه شاهی واقع شده است (خیابان جعفرآباد). با وجود اشتراکات فراوانی که در بین ویژگی‌های گوناگون این دو قسم خیابان وجود دارد، در این نوشتار ابیات مربوط به هر یک از خیابان‌ها جداگانه تفسیر خواهد شد.

حضور در خیابان جعفرآباد، طبق گفته شاعر، احساس معنوی به انسان می‌دهد و درهای معانی و مفاهیم هستی را به روی وی می‌گشوده است:

خیابانش که جان در تن فزاید / بروی دل در معنی گشاید  
(دوحه‌الازهار: ۱۰۹)

ابیاتی وجود دارد که ضمن آن شاعر به ایده طراحی خیابان پرداخته است. ایده‌ای که نشان از جهان‌بینی طراح و شاید حتی خود شاه داشته و اشاره به معانی پنهان و باورهایی دارد که در پس طراحی نهفته بوده و با قرارگیری در فضا ادراک می‌شده است:

چو سوبش روی آرد اهل ادراک / چو باد از شوق او غلظند بر خاک  
(دوحه‌الازهار: ۱۲۰)

شاه در نظر داشته تا به واسطه طراحی خیابان، هدایتگر باشد، به این ترتیب که از طریق طراحی خیابان، به گونه‌ای افکار و عقاید خود را به ذهن ناظران متبادر کند و پیروی و الگوبرداری از راه مستقیم را به آنها نشان دهد:

شاه از آن کوچه چون کهکشان / داده ره راست به مردم نشان  
(روضه‌الصفات: ۱۸۲)

چون رهی این گونه فتاده به دست / راست روی کرده در هر که هست  
(روضه‌الصفات: ۱۸۳)

بدنه خیابان را دو دیوار مستقیم در دو سو شکل می‌داده اند. عبدی بیگ اشاره کرده که ایده طراحی چنین خیابانی، خرد و عقلی است که هدف تعالی دارند:

از دو طرف خاسته دیوار راست / ساخته زانسان که خرد را هواست  
(روضه‌الصفات: ۱۸۴)

همچنین به احساس لذت در تجربه فضای خیابان اشاره کرده است:

کرده خیابان مسرت‌فزای / کرد ملال از دل مردم زدای  
(روضه‌الصفات: ۱۶۳)

در واقع، خیابان جعفرآباد صرفاً مکانی عبوری و فضایی حد فاصل نبوده، بلکه به گونه‌ای طراحی شده که ناظر در حین عبور از آن احساس خوشایندی هم داشته باشد. شاعر در چندین بیت تأکید کرده که خیابان فضایی مسرت‌بخش و مکانی برای زدودن غم و اندوه از دل بوده است. با توجه به توصیفات عبدی بیگ، طراح فضا، جنبه‌های کاربردی و زیبایی‌شناسی را همزمان پیش برده است:

سیر در آن کوچه برد غم ز دل / محو نماید غم عالم ز دل  
(روضه‌الصفات: ۱۶۵)

لطف هوایش ز درون غم زدای / غیر غم عشق نمانده بجای  
(روضه‌الصفات: ۱۷۰)

سطح عرصه ببیج و تاب / طرب را از دو سویش فتح بابی  
(دوحه‌الازهار: ۱۱۱)

جهت‌یابی در ادراک فضا و بازشناسی فضاهای مشابه نقش بسیار مؤثری دارد. پرداختن به مواردی چون جهت در طراحی، نشاندهنده این مسئله است که در طراحی فضاها، خوانایی اهمیت داشته است. در خیابان جعفرآباد، جهت مشرق و مغرب قابل تشخیص بوده است:

دو دیوار رفیعش از دو جانب / احاطه کرده مشرق تا به مغرب  
(دوحه‌الازهار: ۱۱۰)

مواردی چون توازن، تعادل، و نظم فضایی از دیگر مواردی بوده که در طراحی خیابان به آن پرداخته شده است:

گر سر پرگار نهی از دو سو / یک سر مو نیست تفاوت درو  
(روضه‌الصفات: ۱۸۵)

درختان از دو جانب صف کشیده / همه آزادگان نور رسیده  
(دوحه‌الازهار: ۱۱۲)

آب و گیاه، سایه و نور، و باد و عطر فضا، عناصری هستند که در طراحی مورد توجه بوده اند. در واقع این عناصر در متن فضاها حضور داشته و هر یک نقش خود را ایفا می‌کردند. حضور عنصر آب در این فضاها طراوت و تنوع و احساس لذت را به همراه داشته است. گیاهان علاوه بر اینکه به لحاظ تعداد در برخی فضاها در صورت نمادین ظاهر می‌شدند، تحرک و انتظام را القا می‌کردند:

تا بدر باغ خرامان شود / انجنارای خیابان شود  
(روضه‌الصفات: ۲۴۱)

تازه شود جان خیابان از آن / کان دهدش رنگ بهار و خزان  
(روضه‌الصفات: ۲۴۲)

خیابان جعفرآباد که به دستور شاه ساخته شده بود، نوعی ساختار فضایی را به وجود می‌آورد که در آن مردم حضور داشتند. یک فضای عمومی شهری که در عین حال به سبب تردد شخص شاه در آن از ویژگی‌هایی ممتازی بهره‌مند بوده است. آنچه عبدی بیگ در اشعارش در باره ویژگی‌های طراحی خیابان جعفرآباد به آن پرداخته عبارت اند از: احساس لذت، حس جهت‌یابی، توازن، تعادل، طراوت، و نظم فضایی. عبدی بیگ در وصف خیابان‌های شاهی داخل مجموعه سعادت‌آباد نیز اشعاری دارد. استفاده از عناصر طبیعی مانند آب، گیاه و بازی سایه و نور در خیابان‌های داخلی هم مد نظر بوده اند. شاعر در ابیاتی، طرز کاشت در طراحی فضا را بیان کرده است:

بر اطرافش درخت بید و عرعر / که ساینده از تفاخر بر فلک سر  
(دوحه‌الازهار: ۱۸۵)

میان بید و عرعر تاک سرمست / چو مستی کو بهشیاران دهد دست  
(دوحه‌الازهار: ۱۸۶)

همان‌طور که عبدی بیگ در مورد خیابان جعفرآباد، اهمیت جهت در طراحی خیابان را عنوان کرده بود، در خیابان‌های داخلی نیز این ویژگی را ذکر کرده است. پیدا کردن جهت و روشن بودن مسیر در طراحی فضا مد نظر قرار می‌گرفته تا ناظری که در حال تجربه فضا است درک صحیحی از موقعیت قرارگیری خود در آن مکان داشته باشد:

خیابانی دگر از غرب تا شرق / بقسمت کرده سطح باغ را فرق  
(دوخته‌الازهار: ۱۹۳).

عنصر باد و به دنبال آن عطر فضا، موجب فرح‌بخشی و زدودن  
اندوه و ملال از دل بوده اند. ساختار طراحی خیابان به گونه‌ای  
بوده که در مسیر عبور نسیم و باد قرار گیرد:

فیض نسیمش ز صبا و شمال / برده ز دل گرد و ز خاطر ملال  
(روضه‌الصفات: ۱۶۹)

نسیم مشک بید از مشکبیزی / بجیب روح کرده مشکریزی  
(دوخته‌الازهار: ۷۳۲).

شاعر بیان کرده که نظم فضایی در طراحی خیابان‌های شاهی  
نیز مورد توجه بوده است:

گشته دو سطح متقاطع دو چار / چار خیابان ز دو سطح آشکار  
(روضه‌الصفات: ۱۹۹)

فاصله نظم خیابان درو / دیده عقل آمده حیران درو  
(روضه‌الصفات: ۲۰۵)

تا به سر حوض خطی مستقیم / کرده به عرضش خط دیگر دو نیم  
(روضه‌الصفات: ۲۱۵)

بسطحی کین دو خط بر هم گذشته / مربع عرصه آماده گشته  
(دوخته‌الازهار: ۱۹۴).

همان‌طور که در رابطه با خیابان جعفرآباد شرح آن رفت، در  
فضای خیابان‌های شاهی نیز، جهان‌بینی طراح در ابیات مختلفی  
به چشم می‌خورد:

همچو فلک خطه‌مینونشان / گشته خیابان به فلک کهکشان  
(روضه‌الصفات: ۱۶۴)

شاه خیابان چنین کرده ساز / یا دری از خلد برین کرده باز  
(روضه‌الصفات: ۱۸۸).

## باغ

نظم فضایی به طور ویژه در هر دو فضای خیابان و باغ حائز  
اهمیت بوده است. تقسیمات هندسی باغ و وصف عناصر مختلف و  
جایگاه و ارتباط آنها با هم از جمله اطلاعاتی است که عبدی‌بیگ  
در خلال اشعارش به خواننده منتقل کرده است. نکته‌جالب توجه  
در شرح این ویژگی‌ها این است که مسیر تنظیم ابیات توسط  
شاعر از کل به جزء است؛ ابتدا با تشبیه یا توضیحی وضع کلی باغ  
به دست می‌آید، سپس شاعر دقیق‌تر شده و جزئیات بیشتری را  
روشن می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۷: ۴۲):

صفحه نظمی است بسی دلپسند / ناظم آن طبع شه ارجمند  
(روضه‌الصفات: ۲۰۲)

باغ به پرگار شده بخش بخش / هر چمن‌آرا به دلی فیض بخش  
(روضه‌الصفات: ۲۸۲)

طرح میانش دو مثنی چمن / چون دو بهشت از گل و از یاسمن  
(روضه‌الصفات: ۳۱۷)

باز مدور چمنی دلپسند / در وسط آن سه چنار ارجمند  
(روضه‌الصفات: ۳۷۸)

همایون خانه‌های وندر میانش / مربع حوضی از کوثر نشانش  
(دوخته‌الازهار: ۱۹۸)

مربع حوضها از وصف بیرون / نبوده مثلشان در ربع مسکون  
(دوخته‌الازهار: ۷۰۱)

در وسط باغ بوضعی سعید / گشته یکی سطح مربع پدید  
(روضه‌الصفات: ۲۱۷).

از مواردی که عبدی‌بیگ به طور کلی در تشریح و توصیف  
فضاها از آن یاد می‌کند، توجه به جنبه‌های اعتقادی و به نوعی  
دخیل بودن باورها در شکل پرداخت به طرح‌هاست:

شاه در آن خطه همچون بهشت / ساخت عمارات بهشتی سرشت  
(روضه‌الصفات: ۱۱۲)

آمده از خلد بساطی بسیط / بر وی از اطراف خیابان محیط  
(روضه‌الصفات: ۲۰۶)

مصفا حوض‌های کوثرآئین / مطرا باغ‌های خلد تزئین  
(دوخته‌الازهار: ۶۵۹).

آنچه از تعبیر عبدی‌بیگ برمی‌آید این است که حضور در  
چنین فضاهایی لذت‌بخش بوده و ارجاعی است به آنچه طبع آدمی  
به طور ناخودآگاه در جستجوی آن است، یعنی تجربه‌ی زیبایی و  
احساس لذت وافر با حضور در فضا:

باغ بدین خوبی و زیندگی / خنده گلهاش به فرخندگی  
(روضه‌الصفات: ۲۹۴)

قطعه‌ای از روضه خلدبرین / یافته هر لحظه هزار آفرین  
(روضه‌الصفات: ۴۱۱)

بدینسان منظری مینو سرشتی / نظرگاهش چنین خرم بهشتی  
(دوخته‌الازهار: ۶۹۰).

وی وفور آب را از مهم‌ترین دلایل آبادانی باغ و سبب حیات  
آن برشمرده است:

روان فرمود آب از نهر اقبال / وزان باغ سعادت کرد پرحال  
(دوحة/الازهار: ۲).

استفاده از عدد سه و چهار، چه در شکل کاشت گیاهان و چه در تعداد درختان، اشاره به جنبه‌های اعتقادی‌ای است که اعداد را در اسطوره‌ها و باورها و روایات، نمادین می‌دانسته‌اند.

آب خرامنده به چابک روی / از وسط چار چنار قوی  
(روضه/الصفات: ۲۵۸)

چار چنارش بفلک جسته راه / چار ملک گشته دعاگوی شاه  
(روضه/الصفات: ۲۵۹)

مرکز آن هم چمنی چارسوی / یاسمنش برده باقطار بوی  
(روضه/الصفات: ۳۹۲)

هندسه باغ به این شکل بوده که در فضا سازی‌ها از اشکالی چون مربع، هشت گوش، و دایره استفاده می‌شده که خود تنوع پلان را به دنبال داشته است.

حوض مئمن شده پر زان زلال / یافته با قرص کمر اتصال  
(روضه/الصفات: ۲۷۳)

چار طرف چار مربع چمن / هر طرفش بید و گل و یاسمن  
(روضه/الصفات: ۳۳۵)

روضه‌های از خلد برینش نشان / بوده مدور چمنش در میان  
(روضه/الصفات: ۳۵۵)

عیان بر چار کنج این مربع / که هست از سبزه و گلها ملمع  
(دوحة/الازهار: ۱۹۵)

در وصف استفاده از عنصر آب که به شکل‌های مختلف ساکن و جاری مورد استفاده قرار می‌گرفته، شاعر به جز طراوت حاصل از آن، از ویژگی انعکاسی آب سخن گفته و اشاره کرده که آب به سان آیین‌های بوده تا ناظر بتواند خود را در آن نظاره کند:

آب روان دید که از آبشار / کرده درو سیر وسط اختیار  
(روضه/الصفات: ۲۵۵)

چار ستون نصب بر اطراف حوض / عکس نما در دل شفاف حوض  
(روضه/الصفات: ۲۲۴)

پای نهاده ملک از عرش بیش / دیده در آن آئینه رخسار خویش  
(روضه/الصفات: ۲۷۶)

تنوع رنگی از دیگر ویژگی‌هایی است که در باغ بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تنوع در فرم، رنگ، جنس، رایحه گل‌ها

و همچنین تنوع جانوری همگی اهمیت داشته‌اند. تنوع غالباً به واسطه عناصر طبیعی به وجود می‌آمده است. در فصول مختلف سال استفاده از عناصری مانند آب و گیاه موجب پدید آمدن تنوع در منظر می‌گشته است، به طوری که هر فصل از سال به لحاظ بصری از ویژگی‌های خاص خود برخوردار بوده است. بهار فصلی است که شاعر در ابیات مختلف به کرات به آن اشاره کرده است. به طور مثال از بارش باران و نسیم بهاری و ویژگی‌های فضایی باغ بسیار سخن رانده است:

فصل به فصل از رقم بینظیر / یافته فصالی خاطرپذیر  
(روضه/الصفات: ۱۳۵)

لاله و نیلوفر و گل بیشمار / طرفه جهان‌بست همیشه بهار  
(روضه/الصفات: ۲۳۴)

عرعر و بید و گل و شمشاد و سرو / قمری و دراج و هزار و تذرو  
(روضه/الصفات: ۲۲۶)

خنده‌زنان با گل و شمشاد و بید / یاسمن زرد و کبود و سفید  
(روضه/الصفات: ۳۰۷)

طبع ز هر میوه که پرسد خبر / هست در آن روضه مینو اثر  
(روضه/الصفات: ۳۴۴)

هر گل و هر میوه که بندی خیال / هست درین روضه جنت مثال  
(روضه/الصفات: ۵۵۷)

از دیگر موارد تنوع در باغ، تنوع در شکل کرت‌ها، چمن‌ها، و حوض‌های آن بوده که در عین اینکه از انتظام خاصی پیروی می‌کردند، همزمان اشکال متفاوتی داشتند:

طرح دگر هر طرف انداخته / غیر مکرر چمنی ساخته  
(روضه/الصفات: ۲۸۳)

کرده مئمن چمنی در میان / دور چمن یاسمن و ارغوان  
(روضه/الصفات: ۴۲۸)

تنوع جانوری نیز که در باغ وجود داشته به جنب و جوش و تحرک باغ و تنوع بصری و شنیداری آن می‌افزوده است. انواعی از جانوران وحشی و پرندگان در باغ می‌زیسته‌اند:

جانور وحشی او انس جوی / آهو تازنده او مشکبوی  
(روضه/الصفات: ۲۳۵)

باز و بطش گشته معانق به هم / ازدر و سیمرخ موافق به هم  
(روضه/الصفات: ۲۳۸)

چشم‌انداز و دید مناسب به زوایای مختلف، در طراحی مجموعه باغ‌های سعادت‌آباد مد نظر قرار گرفته است. از زوایای مختلف باغ، مناظر گوناگونی قابل رویت بوده و فضاهای متفاوتی تجربه می‌شده است:

روی از آنجا سوی ایوان نهاد / چشم بر آن قبله احسان نهاد  
(روضه‌الصفات: ۲۵۳)

گل گل مهرست ز تابنده جام / تافته بر منظر زنگار فام  
(روضه‌الصفات: ۳۰۰)

استفاده از عنصر سایه در طراحی باغ، به این شکل بوده که با استفاده از درختان سایه‌انداز، نقاطی نفوذناپذیر در برابر نور خورشید در نظر گرفته می‌شده تا آسایش ناظر در فضا حفظ شود. نور و سایه در طراحی خیابان‌های باغ و چمن‌ها بسیار مورد توجه بوده است:

پهلوی هم عرعر و بید و چنار / سایه فکن بر گل نازک عذار  
(روضه‌الصفات: ۲۰۹)

قائمه تاک سر افراخته / سایه به هر کنج وی انداخته  
(روضه‌الصفات: ۲۱۸)

در وسط باغ مربع چمن / سایه فکن گشته بر آن نارون  
(روضه‌الصفات: ۳۷۶)

سایه بران کرده درخت چنار / گل به ظرافت زده آتش بخار  
(روضه‌الصفات: ۳۸۶)

درختانش کشیده سر بر افلاک / فکنده سایه بر معموره خاک  
(دوخته‌الزهار: ۱۳۳)

عبدی‌بیگ اشاره می‌کند که وزش باد چگونه تمامی برگ‌های درختان را همزمان به حرکت درمی‌آورد است. درختان موجود در باغ همگی اندازه‌ای یکسان داشته و به هنگام وزش باد، تمام آنها به طور هماهنگ حرکت می‌کرده‌اند:

در حرکت جمله ز باد شمال / چون صف توحیدسرایان به حال  
(روضه‌الصفات: ۲۱۲)

از جمله ویژگی‌های مهم فضایی در طراحی سعادت‌آباد، تحرک و سرزندگی در فضا بوده است:

آن همه در باغ درافکنده جوش / وین همه در عرش فکنده خروش  
(روضه‌الصفات: ۲۴۷)

## بناهای باغ

بناهای متعدد موجود در باغ‌ها که هر یک متعلق به افراد مختلفی بوده‌اند، ویژگی‌های مشترکی وجود داشته‌اند. ویژگی‌ها، ارزش‌ها، و مواردی که عبدی‌بیگ به آنها اشاره می‌کند عبارت‌اند از تنوع بصری، دید مناسب، هندسه، و عناصر نور و سایه.

از ویژگی چشم‌انداز و منظر متنوع و وسیع به کرات یاد شده است. به طور مثال چهار ایوان بنای ارشی‌خانه، به چهار طرف اشراف داشته است. غالباً بناها در نقاطی شاخص واقع بوده‌اند که امکان دید به اطراف را به خوبی فراهم می‌آورده‌اند. شاعر در تشریح سایر عمارات موجود در باغ‌ها نیز به ایوان‌ها و جهات گوناگون دید و منظر آنها اشاره کرده است:

کرد تماشا ارشی‌خانه را / داد تسلی دل دیوانه را  
(روضه‌الصفات: ۲۵۲)

صفه شاهانه پدیدار شد / جان و دل از عیش خبردار شد  
(روضه‌الصفات: ۲۵۴)

هر که بران صفه زد از شوق گام / کرد ز معراج بگردون خرام  
(روضه‌الصفات: ۲۶۰)

رفت بر ایوان و بر افراخت سر / حوض مربع بنظر جلوه‌گر  
(روضه‌الصفات: ۲۶۱)

بر سر آن منظر فرخنده فال / ساخته ایوان دگر بر شمال  
(روضه‌الصفات: ۲۷۰)

بهر یک جانبش ایوان دیگر / جهان‌آرا نگارستان دیگر  
(دوخته‌الزهار: ۶۵۸)

بهر ایوان که آید در مقابل / شود آئینه بختش مقابل  
(دوخته‌الزهار: ۶۶۵)

ببامش کرده ایوان دگر ساز / که بر ایوان کیوان می‌کند ناز  
(دوخته‌الزهار: ۶۷۷)

ز هر سوی وی ایوانی سرفراز / که گشته بر مه و خور سایه‌انداز  
(دوخته‌الزهار: ۷۸۰)

تنوع نقش و رنگ از دیگر عواملی است که در طراحی بنای باغ به آن توجه شده است. در طرح بنا، چه در نما و چه در نقاشی‌های دیواری داخل آن، از رنگ‌های متنوع و نقش‌های گوناگون بر دیوارها و شیشه‌های الوان استفاده شده است:

شیشه الوانش بتابنده جام / نقش نما گشته ز دارالسلام  
(روضه‌الصفات: ۱۲۵)

هر طرفش پرقم و رنگ شد / غیرت مجموعه ارتنگ شد  
(روضه‌الصفات: ۱۳۰).  
عنصر نور که از خلال شیشه‌های رنگی قابل تجربه بوده، جالب توجه است.

شمسه او نورفکن بر سپهر / خیره شد از شعشعش اش چشم مهر  
(روضه‌الصفات: ۱۱۹)

پرتو خورشید بدیوار و در / ساحت آن قصر گرفته به زر  
(روضه‌الصفات: ۱۴۵).

استفاده از عناصر طبیعی مانند آب در میانه عمارت‌ها در شکل طراحی حوض و فراهم آوردن امکان دید به آنها خود از جمله مواردی است که تنوع فضایی به وجود آورده است.

آب از این خانه چو آید به در / بهر خیابان دو شود در گذر  
(روضه‌الصفات: ۲۳۹).

تزیینات و نقاشی‌های دیوارها و سقف‌های عمارت نیز با مضامین گوناگون به زیبایی فضاهای داخلی می‌افزوده است.

### تحلیل ارزش‌های فضایی طرح سعادت‌آباد قزوین

نوع نگرش عبدی‌بیگ و نحوه ادراک فضایی‌اش در توصیف فضاها، گویای این است که وی در به تصویر کشیدن واقعیت، شاعرانه برخورد نکرده و نحوه مواجهه او با آنچه پیش رو دارد غالباً منطقی است تا عارفانه و احساسی.

در مسیری که شاعر طی کرده و در خلال آن، عناصر و ارکان باغ و خیابان و بنا را توصیف کرده، به کاربری‌های فضاها و نحوه استفاده از آنها (چه توسط شخص شاه و چه توسط افراد دیگر) اشاره چندانی نکرده است. غالب آنچه از کاربری فضاها و نحوه استفاده از آنها در دست است، مطالبی است که در سفرنامه‌ها از جمله سفرنامه شاردن و سفرنامه دلاواله مورد اشاره قرار گرفته است.<sup>۴۱</sup>

ویژگی‌ها و ارزش‌های به‌دست‌آمده از اشعار عبدی‌بیگ، مشخص می‌کنند که عناصر طبیعی، بستر جغرافیایی، موقعیت منطقه و شیوه استفاده از آب، تا چه میزان در مکانیابی‌ها و طراحی‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

از نشانه‌های توجه به عناصر طبیعی، توجه ویژه به عناصری چون آب، گیاه، خاک، باد و نور در طراحی است. از ویژگی‌های عنصر آب که غالباً در همه این گونه فضاها مورد توجه بوده می‌توان به مواردی از قبیل تحرک و جنبش، انعکاس، صدا، به وجود آوردن احساس طراوت و شادابی و لذت اشاره کرد.

عنصر خاک بستر فضا را تشکیل می‌دهد و مکانی است برای رشد گیاهان و گلها و درختانی که حیات و سرزندگی و تنوع بصری فضا از آنهاست. عنصر باد که در میان متون عبدی‌بیگ از

آن با نسیم و صبا یاد شده، سبب می‌شود تا به هنگام وزش آن، هماهنگی در عناصر موجود در فضا مشاهده شود. همچنین، رایحه گل‌ها با وزش نسیم در تمامی فضاها پراکنده می‌شود.

عنصر نور که در این فضاها به صورت بازی سایه و نور دیده شده، در فضاهای بیرونی و درونی موجب تنوع بصری و همچنین طراوت و سرزندگی فضا و آسایش و لذت می‌شده است. در فضاهای بیرونی، با توجه به شیوه کاشت و همچنین با استفاده از گیاهان سایه‌انداز، نور و سایه ایجاد می‌کرده‌اند. در فضاهای درونی نیز با استفاده از پنجره‌ها و بازشوهای دیواری و سقفی و مهم‌تر از همه با توجه به جهتی که عمارت را بنا می‌کردند، این امکان فراهم می‌آمد تا به نحو بهینه از نور روز استفاده کنند و سایه‌های لازم را پدید آورند.

همانطور که شرح آن به تفصیل رفت، از دیگر مواردی که در طرح سعادت‌آباد قزوین به چشم می‌خورد، نظم فضایی و هندسه بوده است. ویژگی دیگری که به طور ضمنی در بین اشعار وجود داشت، تغییرات محصوریت و گشودگی فضا است که موجب تنوع بصری می‌شده است. دیدهای مطلوب در طراحی بسیار حائز اهمیت بوده‌اند. به این شکل که خیابان و باغ را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که نه تنها به لحاظ بصری برای ناظر جذاب باشد، بلکه هدایت دید ناظر را نیز در نظر می‌گرفتند و جهت دید او را به سمتی سوق می‌دادند که ویژگی‌های زیبایی‌شناسی داشت. از هر نقطه‌ای عناصر گوناگون باغ قابل رویت بوده است. ایوان‌های چهارطرفه عمارت و مناظر قابل رویت آنها، همگی نشان از اهمیت تجربه فضایی و تنوع بصری دارند.

توجه به زیبایی و چگونگی ادراک آن از این جهت مورد نظر بوده که در طراحی به راهکارهایی از قبیل تنوع در شکل، استفاده از عناصر طبیعی به شیوه‌های گوناگون و رعایت اصول طراحی توجه می‌شده است.

کیفیات معنایی و حسی مکان نیز مورد تأکید عبدی‌بیگ قرار گرفته‌اند. بدین صورت که گویی وجهی با اهمیت از حضور در این فضاها، ویژگی تغییرات روحی است که به واسطه آن فراهم می‌آید. شاید بتوان گفت که شیوه و شکل نمایش ویژگی‌های فضایی، چه آنها که مد نظر طراح بوده و چه آنها که شخص شاه بر آنها تأکید داشته، با گذر در میان فضاها به گونه‌ای قابل ادراک بوده است.

### نتیجه‌گیری

ویژگی‌های فضایی طرح سعادت‌آباد که خلاصه آن در جدول ۱ آمده، به تفکیک در دو گروه ویژگی‌های عینی<sup>۱۵</sup> و معنایی<sup>۱۶</sup> قابل بررسی هستند. در باره ویژگی‌ها و ارزش‌های به‌دست آمده، عواملی ادراکی<sup>۱۷</sup> وجود دارند که به واسطه آنها قابل دریافتند.<sup>۱۸</sup> این عوامل ادراکی، همان‌ها هستند که مستقیماً از تفسیر و تعبیر ابیات

عوامل ادراکی	ارزش فضایی	ویژگی فضایی
زیبایی، توازن، تنوع، نظم، جهت‌یابی، هندسه، دید مطلوب.	کالبدی	عینی
عناصر طبیعت: آب، باد، خاک، نور، گیاه و جانور، بو.	طبیعی	
باور، نماد و نشانه.	اعتقادی	معنایی
ساختار طراحی، لذت، روح مکان، تنوع، طراوت.	زیبایی	

جدول ۱. ویژگی‌ها و ارزش‌های فضایی و عوامل ادراکی وابسته به آنها در طرح سعادت‌آباد قزوین صفوی.

از جمله عوامل ادراکی ارزش معنایی که عبدی‌بیگ به تفصیل توصیف کرده صدا، بو، زمان، و حرکت است که در فضاهای طراحی شده به خوبی قابل ادراک بوده و در طراحی‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

■ ارزش زیبایی به لحاظ عوامل ادراکی، شاید یکی از پیچیده‌ترین ارزش‌ها و در عین حال ساده‌ترین آنها به لحاظ ملموس بودن باشد. از آنجایی که ادراک زیبایی بسیار حسی و فردی بوده و تحت تأثیر تجربیات متغیر نیز هست. برشمردن عوامل ادراکی برای آن کمی دشوار است. اما به طور کلی همه آنچه که ساختار یک طرح را در برمی‌گیرد، از جمله تنوع، نظم، هندسه، تشابه، تقارن، و تعادل که خود ارزش کالبدی را می‌سازند، می‌توانند در ادراک زیبایی و شدت آن اثرگذار باشند. طراوت یک فضا از جمله عواملی است که در ادراک زیبایی تأثیرگذار است.

مختلف عبدی‌بیگ به دست آمدند و تلویحاً بازگوکننده ارزش‌ها و ویژگی‌های هر فضا هستند.

● ویژگی‌های عینی که به لحاظ بصری قابل دریافتند، در زیرمجموعه خود باز نمود ارزش‌های کالبدی و طبیعی هستند:

■ ارزش‌های کالبدی، ساختار طرح را تشکیل می‌دهند و در ادراک آن دخیل هستند. عوامل ادراکی ارزش کالبدی عبارت‌اند از مواردی که ساختار فضایی طرح را می‌سازند، مانند توازن، تنوع، نظم، هندسه، جهت‌یابی، و دید مطلوب.

■ ارزش‌های طبیعی آن دسته از ارزش‌هایی هستند که در بستر طبیعی وجود داشته و مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این ارزش‌ها به بستر جغرافیایی فضا، موقعیت قرارگیری آن، گیاهان مورد استفاده در طرح، نحوه استفاده از آب و سایر عوامل طبیعی دخیل در فضا اشاره دارند. مهمترین عوامل ادراکی مرتبط با ارزش طبیعی، عناصر تشکیل‌دهنده طبیعت هستند: مانند گیاه، خاک و آب. همچنین، نور و شیوه استفاده از آن در فضاها بسیار جالب توجه است. طراح فضا با استفاده از بازی نور و سایه به تطلیف فضا پرداخته است.

● ویژگی‌های معنایی به کاررفته در طراحی سعادت‌آباد قزوین، نمایانگر دو دسته ارزش‌های اعتقادی و زیبایی هستند:

■ ارزش‌های اعتقادی مشخصاً دربرگیرنده همه آنچه هستند که به واسطه باورها، اسطوره‌ها، روایات و در نهایت لذت حاصل از بازشناسی آنها به دست می‌آید. حضور در چنین فضا و موقعیتی روح مکان را قابل ادراک می‌کند. زیبایی نیز شامل آن دسته از مواردی است که ادراک روح مکان را چه به لحاظ بصری و چه به لحاظ ذهنی امکان‌پذیر می‌کند.

عوامل ادراکی ارزش‌های اعتقادی، ارجاع به باورهای فرهنگی و روح مکان جاری در فضا دارند. استفاده از عناصر نمادین در طراحی‌ها از دیگر عوامل ادراکی ارزش اعتقادی است. استفاده از اعداد و یا گیاهان نمادین در طراحی‌ها موجب به وجود آمدن حسی منحصر به فرد از فضا می‌شود که خاص همان فضا است و معنا و مفهوم آن را القا می‌کند.

#### پانویس‌ها

۱. این نوشتار برگرفته از قسمتی از مطالعات انجام‌شده در طرح پژوهشی متدولوژی شناخت ارزش‌های فضاهای باز طراحی‌شده تاریخی، شامل باغ، میدان و خیابان، در گروه باغ و منظر پژوهشکده بناها و بافت‌های تاریخی فرهنگی است. نک: رضائی‌پور، مریم و نیره خان‌محمدی و آریتا علیزاده، ۱۳۹۲.

۲. نک: Encyclopedia Iranica: Tihmasp I

۳. بوداق منشی در جواهر الاخبار چنین گفته که: «باغ سعادت را که دیوار دور آن کشیده بودند، درخت نشانند و تعمیر نمودند و عمارات ساختند. اول سال تاریخ ساختن باغ آنکه 'هرگاه که گل ز باغ بیرون آری' و این قاعده است که باغ یک‌هزار و سه است، هر گاه که گل از آن بیرون آریم پنجاه است، از آن کسر شد نهصد و پنجاه و سه (۹۵۳) شد که ابتدای ساختن باغ است و سال ساختن عمارت درگاه باغ این است» (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ص ۲۰۳).

۴. از آثار عبدی‌بیگ نویدی شیرازی.

۵. نک: مقدمه روضة الصفات تحریر ابوالفضل رحیموف: ۱۱.

۶. همان: ۶.

۷. زین‌العابدین عبدالمؤمن نویدی شیرازی (۹۲۱-۹۸۸ق) متولد تبریز، در سال

- ۹۳۷ق در دیوانخانه صفوی به سیاق‌داری مشغول شد. نک: مقدمه روضه الصفات به تحریر ابوالفضل رحیموف.
۸. نک: مقدمه روضه الصفات تحریر ابوالفضل رحیموف: ۷.
۹. شهینشه شهری اندر جنب قزوین / فکنده طرح با صد زیب و تزئین بنام آن شهر عالی جعفرآباد / که شاه جعفری افکنده بنیاد بدین نام نکو معمور گشته / بدارالسلطنه مشهور گشته (دوحه الازهار: ۹۸-۱۰۰).
۱۰. نک: مقدمه دوحه الازهار تحریر ابوالفضل رحیموف: ۴.
۱۱. بنظم وصف باغم کرد مأمور / نمودم نسخه زین پیش مسطور ولی دری که از این پیش سقتم / بحر مخزن الاسرار گفتم. در آن بحر متین سحر بنیاد / نمی‌گنجید نام جعفرآباد هوس می‌داشت آن نام گفتن / گهر واجب شد از این بحر سفتن (دوحه الازهار: ۸۷۳-۸۷۶).
۱۲. رحیموف معتقد است که ارشی‌خانه که در مرکز باغ سعادت‌آباد بنا شده و کاخ ویژه شاه‌طهماسب بوده، همان بنای چهلستون است که از قرن شانزدهم میلادی به بعد به این نام خوانده شده است (مقدمه روضه الصفات تحریر ابوالفضل رحیموف: ۱۱). در باره صحت این مطلب نمی‌توان به قطعیت سخن گفت. در میان ابیات عبدی‌بیگ نامی از چهلستون برده نشده است.
۱۳. در این جانب عماراتست بسیار / از آن کمتر بیاغ افتد سر و کار (دوحه الازهار: ۲۸۳).
۱۴. برای اطلاعات بیشتر نک: شاردن، ژان. (۱۳۴۵). سیاحتنامه شاردن. مترجم محمد عباسی. انتشارات تهران: امیرکبیر. و دلاواله، پیترو. (۱۳۴۸). سفرنامه پیترو دلاواله. ترجمه شعاع‌الدین شفا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. ویژگی‌های عینی شامل آن دسته از ویژگی‌هاست که به لحاظ بصری قابل دریافتند.
۱۶. ویژگی‌های معنایی شامل آن دسته از ویژگی‌هاست که به واسطه فرایندهای ذهنی قابل درک اند و آن مواردی را شامل می‌شوند که فرهنگ، جامعه، دانش، و تجربه در فرایند ادراک آنها دخیل اند.
۱۷. منظور از عوامل ادراکی، عواملی هستند که در کنار یکدیگر و گاه حتی به تنهایی، ارزشی را بازنمود می‌کنند و معرف ویژگی‌های درونی فضاها هستند.
۱۸. برای اطلاعات بیشتر در باره ارزش‌ها و عوامل ادراکی نک: بل، سایمون. (۱۳۸۶). منظر، ادراک، الگو و فرآیند. ترجمه بهناز امین‌زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، از کمیت تا کیفیت. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی؛ پورتوس، جی. داگلاس. (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی محیط و منظر. ترجمه لیلا آقاداتاشی. ویرایش دکتر مرتضی صدیق. ج ۱. تهران؛ کالن، گوردون.

(۱۳۸۲). گزیده منظر شهری. ترجمه دکتر منوچهر طیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ لینچ، کوین. (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر. ترجمه حسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ ترنر، تام. (۱۳۸۴). شهر همچون چشم‌انداز: نگرشی فراتر از فرانوگرایی به طراحی و برنامه‌ریزی شهری. ترجمه فرشاد نوریان. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

## منابع

- دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۸۱). سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن. قزوین: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- رضائی‌پور، مریم و نیره خان‌محمدی و آریتا علیزاده. (۱۳۹۲). متدولوژی شناخت ارزش‌های فضاهای باز طراحی‌شده تاریخی، شامل باغ، میدان و خیابان. گروه پژوهشی باغ و منظر پژوهشکده بناها و بافت‌های تاریخی فرهنگی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- سلطانی، مهدی. (بهار ۱۳۸۷). «باغ سعادت‌آباد: بر اساس منظومه‌های عبدی‌بیگ نویدی شیرازی». در گلستان هنر، ش ۱۱، ص ۳۸-۴۷.
- عالمی، مهوش. (پاییز ۱۳۸۵). «باغ‌های دوره صفویه: گونه‌ها و الگوها». در گلستان هنر، ش ۵، ص ۷۲-۹۱.
- عالمی، مهوش. (تابستان ۱۳۸۷). «باغ‌های شاهی صفوی، صحن‌های برای نمایش مراسم سلطنتی و حقانیت سیاسی». ترجمه مریم رضائی‌پور و حمیدرضا جیحانی. در گلستان هنر، ش ۱۲، ص ۴۷-۶۸.
- عالمی، مهوش. (۱۳۹۲ الف). «باغ ایرانی: انواع و شکل‌ها». در باغ‌های اسلامی: معماری، طبیعت و مناظر. ویرایش آتیلیو پتروچیولی. تهران: انتشارات روزنه، ص ۴۹-۷۵.
- عالمی، مهوش. (۱۳۹۲ ب). «باغ‌های سلطنتی و فرح‌آباد ساری». در باغ‌های اسلامی: معماری، طبیعت و مناظر. ویرایش آتیلیو پتروچیولی. تهران: انتشارات روزنه، ص ۲۳۷-۲۵۲.
- عبدی‌بیگ نویدی شیرازی. (۱۹۷۴). دوحه الازهار (قرن دهم هجری)، مثنوی دوم از جنات عدن. به کوشش ابوالفضل رحیموف. مسکو: انتشارات دانش.
- عبدی‌بیگ نویدی شیرازی. (۱۹۷۴). روضه الصفات (قرن دهم هجری)، مثنوی دوم از جنات عدن. به کوشش ابوالفضل رحیموف. مسکو: انتشارات دانش.
- مجابی، سید مهدی. (۱۳۷۸). «نظریه توسعه تاریخی شهر در ایران: توسعه تاریخی قزوین». در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ص ۴۶۱-۵۱۴.
- مجابی، سید مهدی. (۱۳۸۸). در جستجوی هویت شهری قزوین. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- منشی قزوینی، بوداق. (۱۳۷۸). جواهر الاخبار: بخش تاریخ ایران از قراقویونلو تا سال ۹۸۴ق. تهران: نشر میراث مکتوب.